



مصاحبه با دکتر ابواسامه

ما در زمان شاه که تمام قوا، امریکا، شوروی و سایر غربی‌ها همه طرفدار او بودند، ملت ایستاد تا کار را تمام کرد.

و همین طور اطلاعی که شما داشتید، در داخل خودتان اشخاصی، مثل اشخاصی که بدتر از آنها هستند مثل عرفات. ما هم از این اشخاص داشتیم، این عرفات الان می‌خواهد یهودیان را به آنجا مسلط کند و می‌خواهد شبانه آنها را... باید مردم دست به دست هم بدهند و عرفات را از جمع خودشان خارج کنند، تا خودشان بتوانند کاری را انجام بدهند و تا آن وقتی که یک نفر یهودی در آنجا هست باید بایستند و کار را تمام کنند همان طور که ما کردیم و با ایستادگی کار تمام می‌شود. بدانید این معنی را، الان به دست و پا افتاده‌اند اسرائیلی‌ها. الان دارند عرفات را ترویج می‌کنند، برای اینکه قائل به این است که یهود هم باشد ما هم باشیم. در صورتی که یهود نباید آنجا باشد؛ هیچ وقت. باید مردم بایستند و کسانی که مخالفت با این مسائل دارند، از جرگه خودشان خارج

کنند و پافشاری کنند تا کار درست شود و ان شاء الله درست می‌شود. امیدوارم؛ من دعا می‌کنم به شما، خداوند همه‌تان را حفظ کند. ان شاء الله موفق باشید.^۱

◆ اشاره

خیلی پیش از این از سطح بالای تحصیلات مردم فلسطین در خاورمیانه، گزارش‌هایی منتشر شده بود. شاید این نکته قابل تأمل و جالبی باشد ولی زمانی که به یک مصداق عینی آن در ایران برخورد کنیم، غیر قابل باور بودن این نکته رنگ می‌بازد. دکتر اسامه در میان انبوه محدودیت‌های موجود برای مردم مسلمان فلسطین فعل مبارزه، تحصیل و زندگی را به خوبی صرف کرده است. فرزندان خردسال و دوست داشتنی او که همراه او در نمایندگی تهران شکل دیگری از مبارزات پدر خود را شاهدند، زمانی در آوارگی کشورهای دیگر و حتی در غزه طعم تلخ محرومیت و اشغال را چشیده‌اند ولی استوار و بارآده راه پدر خود را اندک اندک به عنوان یک درس می‌آموزند.

آنها به عنوان فرزندان فلسطین از پدران خود درس‌های مقاومت فرا می‌گیرند در عین اینکه همچون پدر می‌دانند که از مهم‌ترین سلاح‌های آنها علم است و باید به آن مجهز شوند.

همچون دکتر ابواسامه که الگوی فرزندانش است، چه الگویی بهتر از او را باید به انسان‌های آزاده معرفی کرد که در عین محرومیت، ظلم و اشغال را بر نمی‌تابند و در سایه ایستادگی و رشادت، به اسلام و مسلمین عزت الهی را نشان می‌دهند. باشد که این الگوهای کم‌نظیر در عصر به اصطلاح پیشرفت و تکنولوژی راهنمای واقعی انسان‌ها برای زندگی باعزت باشند. آن‌چنان که رهبر و مقتدای ما در انقلاب اسلامی به ما آموخت تا همواره همچون جد بزرگوارش برای عزت اسلام از هر ذلتی دوری کنیم.

◆ مدخل

دکتر ابواسامه عبدالمعطی ۴۴ ساله و متولد سال ۱۹۶۴ در غزه است. وی متأهل و دارای شش فرزند (چهار دختر و دو پسر) می‌باشد. تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی در نوار غزه به پایان رسانیده، دکترای خود را در رشته روان‌شناسی امور تربیتی از دانشگاه خارطوم دریافت کرد. دو نوبت و به مدت پنج سال از سوی صهیونیست‌ها به زندان افتاد. مسئولیت یکی از انجمن‌های خیریه وابسته به حماس را به عهده داشته است و ظرف شش سال گذشته نمایندگی جنبش حماس را در ایران بر عهده دارد.

او همچون گذشته با گشاده‌رویی ما را به حضور پذیرفت و در حالی که همواره اخباری از شهادت هم‌زمان خود در غزه دریافت می‌کرد سؤال‌های ما را با دقت پاسخ می‌داد و به هیچ عنوان رشته بحث از دستش خارج نمی‌شد تا نکند بحث احساسی و خارج از محورهای خود مطرح شود.

خاطره حضور در دفتر حماس در تهران، همیشه در ذهن دوستداران مقاومت جاودانه می‌شود و مردم ایران با مراجعه به این دفتر با اراده‌ای زیبا شعار «امروز ایران، فردا فلسطین» را به «دیروز ایران، امروز فلسطین» تبدیل کرده‌اند و سنگر به سنگر با مقاومت خود به دنبال تحقق آرمان آزادی قدس شریف هستند.

یاد و خاطره تمام شهدای مقاومت از ایران تا فلسطین گرامی باد.

پژوهشگاه علمی و مطالعات فرهنگی

مجله علمی و پژوهشی علوم انسانی

حماس در پاسخ به چه نیازی در فلسطین ایجاد شد؟

✓ دکتر ابواسامه: باید گفت که در صحنه فلسطین نیازهایی وجود داشت که می‌توان این نیازها

را در موارد زیر خلاصه کرد:

اول ضرورت و نیاز اسلامی است که در منظومه گروه‌ها و سازمان‌های مبارز و جهادی

فلسطین به استثنای جنبش جهاد اسلامی که یک جنبش نوپایی بود، حتی یک گروه و سازمان مبارز اسلامی که آرمان فلسطین را بر اساس باورهای اسلامی و ملی پی بگیرد، وجود نداشت و سایر گروه‌های مبارز، یا لائیک یا مارکسیستی و یا ملی‌گرا بودند.

دوم ضرورت ملی بود، چرا که مرحله ماقبل تأسیس حماس و شروع انتفاضه مرحله رکود و سکون در عرصه عملیات مقاومت ملی محسوب می‌شد.

باور شیخ احمد یاسین بر این شکل گرفته بود که حماس صرفاً یک گروه مبارز نیست، بلکه پروژه‌های همه‌جانبه و جامع برای رهایی و تشکیل حکومت است.

سومین نیاز فرهنگی - اخلاقی است. در واقع این نیاز احساس می‌شد که ملت فلسطین بایستی به ماهیت و هویت اسلامی‌اش بازگردد و از سویی با عملیات

فراگیر یهودی‌سازی که از جانب صهیونیسم به اجرا درآمده است، مقابله کند.

❦ حماس آن‌گونه که عنوان می‌شد از دل اخوان المسلمین برآمد و اخوان المسلمین در سال ۴۸ داوطلبانی به فلسطین اعزام کرد، چرا در سال ۱۹۸۷ این ضرورت احساس شد؟

❑ عدم شکل‌گیری جنبش حماس به عنوان یک جنبش مسلحانه و مقاومت در طول این مدت معلول شرایط خاصی است که جنبش اخوان المسلمین به طور اعم چه در مصر و چه در فلسطین در بر گرفته بود.

این جنبش در زمان جمال عبدالناصر و به عبارتی از سال ۱۹۵۲م تا ۱۹۶۷م از هرگونه فعالیت در مصر و فلسطین و به طور مشخص در نوار غزه منع شد.

با وجود این جماعت اخوان المسلمین در فلسطین حضور داشت و فعالیت‌های سیاسی و مردمی را دنبال می‌کرد و در مناسبت‌های گوناگون راهپیمایی تدارک می‌دید. برای مثال طرح اسکان آوارگان فلسطینی در صحرای سینا را ناکام گذارد. همچنین در عملیات مقاومت به

عنوان زیرمجموعه جنبش فتح در اردن مشارکت می‌کرد و به اردوگاه روحانیون موسوم گشت.

پس از آنکه رژیم صهیونیستی نوار غزه و کرانه باختری را در سال ۱۹۶۷م اشغال کرد و به تبع آن سیطره رژیم عبدالناصر بر نوار غزه پایان یافت، شیخ احمد یاسین به بازسازی فراگیر جنبش اخوان المسلمین همت گماشت و این آماده‌سازی دو دهه به طول انجامید تا جنبش در ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به حد مطلوب برسد و شروعی

نابودی رژیم صهیونیستی مستلزم ورود به جنگی فراگیر با این رژیم و با امریکا و حتی اروپا است. به این جهت مسأله فلسطین تنها به حماس مربوط نمی‌شود بلکه به همه امت بستگی دارد.

موفق داشته باشد. در طی مرحله آماده‌سازی و به طور مشخص در سال ۱۹۸۳م شیخ احمد یاسین به اتهام خرید و جمع‌آوری مقادیر زیادی سلاح، دستگیر و زندانی و در سال ۱۹۸۵م در جریان مبادله اسرا آزاد شد.

دامنه عملیات بازسازی و ساختارسازی جنبش، کرانه باختری، نوار غزه و مناطق اشغالی ۱۹۴۸م را در بر گرفت و محدود به نوار غزه نبود.

در تعریف موجود از گروه‌های فلسطینی آمده است که پس از آنکه کشورهای عربی نتوانستند کاری برای فلسطین انجام دهند، گروه‌های فلسطینی و به ویژه در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ وارد عرصه شدند، بروز و ظهور آنها در این دهه بوده که یا چپ بودند یا ملی‌گرا، در حالی که اگر از گروه‌های اسلامی سخن به میان آوریم، قاعدتا باید این جریان کاری صورت می‌داده است. اگر تفکر وجود داشته، اقدامش چه بوده؟ در واقع آیا جریان اسلامی قبل از حماس کار شاخصی داشته است؟

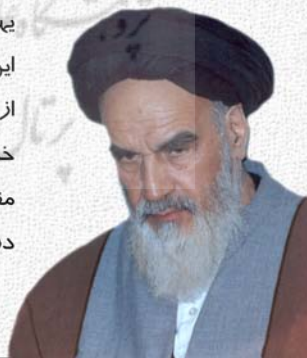
فعالیت جنبش اخوان المسلمین در مقطع قبل از تأسیس حماس بسیار دامنه‌دار بوده است. من یادآور شدم اگر منظور عملیات نظامی است، اساسا در این مقطع هیچ‌یک از گروه‌ها فعالیت

نظامی نداشته‌اند. عملیات نظامی بسیار محدود بوده و بسان امروز نبوده است. هر یک یا دو ماه بمبی در یک جایی منفجر می‌شد، این دوره از سال ۱۹۷۳ تا شروع انتفاضه ادامه یافت. همه گروه‌ها این دوره را دوره سستی ملی می‌نامند.

فعالیت شاخص جریان اسلامی در این دوره چه بوده است؟

✓ شاخص اقدامات این دوره، فعالیت سیاسی، مردمی و دانشجویی بود. که در واقع فعالیت همه گروه‌ها بود. راهپیمایی‌های مردمی، فعالیت‌های گسترده دانشجویی در دانشگاه‌ها و فعالیت جمعیت‌ها و انجمن‌های مردم‌نهاد، شاکله فعالیت تمامی گروه‌ها بود. این نوع فعالیت مختص و منحصر به اخوان المسلمین نبود بلکه همه گروه‌ها عمده فعالیتشان این بود. زیرا فعالیت نظامی نداشتند و فعالیت ملی و ضداسرائیلی فلسطینیان (همه گروه‌ها) در کارهای فرهنگی، مردمی، عام‌المنفعه و دانشجویی محدود و محصور می‌شد که اخوان المسلمین سرآمد سایر گروه‌ها بود. اغلب اتحادیه‌های دانشجویی در دست حماس (قبل از اعلام موجودیت) بود. ما در این مقطع نهادهای آموزشی خوبی نظیر دانشگاه اسلامی غزه را ساختیم و دایر کردیم که اینک با داشتن ۲۵ هزار دانشجوی دختر و پسر یکی از دانشگاه‌های مهم نوار غزه محسوب می‌شود. ما جمعیت‌های خیریه بزرگی چون مجمع اسلامی و جمعیت اسلامی، بیمارستان‌ها، مدارس و مهدهای کودک را ساختیم.

یهود «بنی‌قریظه» که قیام نکرده بودند و از مفسدین بودند - این یهودی‌ها از اول مفسد بودند - هفتصدتایشان را همین طور از دم شمشیر گذراند در یک روز، هفتصدتایشان را کشت! بین خودشان دوستی، رفاقت، ملائمت، رحمت [بود] لکن وقتی در مقابل غیر، واقع می‌شدند، آنجا شدت. در موقع خودش شدت، در موقع خودش رحمت. این وضع حکومت اسلام است.
در حضور پرسنل شهربانی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸/۲/۲۰
صحیفه امام، ج ۷، ص...



هیچ‌یک از گروه‌ها، نه فتح و نه دیگر گروه‌های مارکسیستی نتوانستند با حماس (قبل از اعلام موجودیت) و در قالب اخوان المسلمین رقابت کنند.

از این رو وقتی از اخوان المسلمین در آن برهه سخن می‌گوییم، آن رکود و انجماد نظامی تنها مختص اخوان المسلمین نبوده است بلکه همه گروه‌ها دچار این رکود و فتور بودند. بنابراین با توجه به نبود عملیات نظامی، عرصه برای فعالیت‌های مدنی و آموزشی مهیا بود و ما (اخوان المسلمین) در این مجال طلعه‌دار بودیم.



وظیفه ما این است که رژیم صهیونیستی را زخمی و فرسوده کنیم، تا مرحله سرنوشت‌ساز فرا برسد. در این مرحله (سرنوشت‌ساز) است که درگیری و جنگ با اسرائیل، امریکا و بخش‌هایی از اروپا شروع خواهد شد. این تصور و باور ماست.

آنچه ما در این مقطع انجام دادیم همان مرحله ساختارسازی و پی‌ریزی است و اندیشه و باور شیخ احمد یاسین بر این شکل گرفته بود که حماس صرفاً یک گروه مبارز نیست، بلکه پروژه‌ای همه‌جانبه و جامع برای رهایی و تشکیل حکومت است. به قطع و یقین اگر زیرسازی محکم نبود و اگر رشادت‌ها و شهادت رهبران (احمد یاسین) و حضور نیرومندان در میان توده‌ها نبود، در برابر

این ضربات سهمگین تاب نمی‌آوردیم و چیزی به نام حماس بعدها شکل نمی‌گرفت. این همان فلسفه و مکتبی است که امام حسن البنا^۱ پی‌ریزی کردند و به انقلاب و تغییر مرحله‌ای معتقد بودند.

عنایت داشته باشید که اخوان المسلمین در چیدن میوه شتاب به خرج نمی‌دهد، زیرا چنانچه

۱. حسن البنا بنیانگذار و رهبر اخوان المسلمین است که به شکلی گسترده در تمام زمینه‌ها از اوایل دهه ۲۰ میلادی در مصر فعالیت خود را آغاز کرد و هم‌اکنون مهم‌ترین جریان اسلامی در مصر است.

این میوه کال و نارس باشد، ارزش نخواهد داشت. لذا بایستی یک مرحله و پروسه آماده‌سازی باشد تا بتوان به اهداف مد نظر دست یافت.

مدت مبارزه فلسطینی‌ها برای رهایی از اشغال‌گری به طول انجامیده است، به نظر شما علت این امر چیست؟



در جنگ اول صلیبی، رهایی فلسطین یک قرن به طول انجامید. بنابراین جنگ فعلی (صهیونیستی - صلیبی) که شصت سال از آن می‌گذرد، یک امر بدیهی است.

به این دلیل که برنامه رژیم صهیونیستی صرفاً اشغال‌گری نیست. این مورد نظیر اشغال الجزایر توسط فرانسه و یا اشغال ویتنام توسط امریکا نیست که چنانچه پس از یک و یا دو سال و یا یک و دو دهه مبارزه و مقاومت اشغال‌گری به پایان می‌رسد. اشغال‌گری رژیم صهیونیستی مقوله متفاوتی است رژیم

صهیونیستی، یک موجودیت متجاوز و توسعه‌طلب است و درگیری موجود در سرزمین فلسطین، بر سر بودن و یا نبودن است و نه مرزها. بنابراین پیروزی ما به مثابه زوال و نابودی رژیم صهیونیستی خواهد بود. نابودی رژیم صهیونیستی مستلزم ورود به جنگی فراگیر با این رژیم و با امریکا و حتی اروپا است. به این جهت مسأله فلسطین تنها به حماس مربوط نمی‌شود بلکه به همه امت بستگی دارد. در این میان وظیفه ما این است که رژیم صهیونیستی را زخمی و فرسوده کنیم، تا مرحله سرنوشت‌ساز فرا برسد. در این مرحله (سرنوشت‌ساز) است که درگیری و جنگ با اسرائیل، امریکا و بخش‌هایی از اروپا شروع خواهد شد. این تصور و باور ماست. لذا این نبرد سخت و سنگین و فراگیری خواهد بود. این نبرد، یک جنگ صلیبی - صهیونیستی و پیوسته‌ای خواهد بود.

در جنگ اول صلیبی، رهایی فلسطین یک قرن به طول انجامید. بنابراین جنگ فعلی

(صهیونیستی - صلیبی) که شصت سال از آن می‌گذرد، یک امر بدیهی است. با توجه به اینکه مهاجمان فعلی (صهیونیست‌ها و صلیبی‌ها) از صلیبی‌های آن زمان به مراتب خشن‌تر و نیرومندترند، ما نباید این نبرد را ساده پنداریم و آن را صرفاً درگیری و مسأله ملت فلسطین برای رهایی بدانیم. این درگیری در واقع عصاره یک کشمکش و چالش جهانی امت اسلام در رویارویی با مهاجمان صلیبی و صهیونیست است که فرهنگ و تمدن جهان اسلام را نشانه رفته‌اند.

ما نباید این نبرد را ساده پنداریم و آن را صرفاً درگیری و مسأله ملت فلسطین برای رهایی بدانیم. این درگیری در واقع عصاره یک کشمکش و چالش جهانی امت اسلام در رویارویی با مهاجمان صلیبی و صهیونیست است که فرهنگ و تمدن جهان اسلام را نشانه رفته‌اند.

◆ ریشه‌یابی قضیه فلسطینی

در قضیه فلسطین یک طرف غرب و صهیونیست‌ها صف‌آرایی کرده‌اند که درصدد تکمیل این پروژه هستند و در طرف دیگر اهمال و خیانت کشورهای عربی و اسلامی مشاهده می‌شود که اگر این کشورها نقش خود را به خوبی ایفا می‌کردند، مسأله فلسطین بدین نحو به پیش نمی‌رفت. توطئه غرب و اهمال عرب‌ها و مسلمان‌ها به جای خود ولی فکر نمی‌کنید که اگر اتحاد میان مبارزان وجود می‌داشت خیلی زودتر به نتیجه می‌رسیدیم؟

قبل از هر چیز باید به این مسأله اشاره شود که هیچ ملتی نظیر مردم فلسطین یافت نمی‌شود که برای رهایی خود از یوغ اشغال‌گری این همه ایثار و فداکاری کرده باشد. از سال ۱۹۱۷ تا به امروز ملت فلسطین سرگرم مبارزه، ایثار و فداکاری است، اما باید اذعان داشت که نبرد، نبرد سهمگینی است و یکسره کردن آن به مراتب سنگین‌تر است. ورود به جنگ و

تضعیف دشمن یک مسأله است و یکسره کردن کار جنگ با دشمن مسأله متفاوت دیگری است. آری ما در مقطع فعلی توانسته‌ایم دشمن را تضعیف و زمین‌گیر کنیم و جلوی پیشروی پروژه صهیونیسم را بگیریم و این پروژه را در ابعاد امنیتی، سیاسی، فرهنگی و اندیشه ناکام بگذاریم. لیکن با وجود این هنوز به آن مرحله‌ای که بتوانیم کار را یکسره کنیم، نرسیده‌ایم. ما برای اینکه تکلیف جنگ را یکسره کنیم نیازمند نیرویی موازی و همسنگ با توان و قدرت رژیم صهیونیستی و نیروهای پشتیبان آن هستیم.

و اما مسأله وحدت، باید به صراحت گفت که وحدت مبحث زیبایی است و یک واژه دوست‌داشتنی است و هر دلسوز و محب آرمان فلسطین دوست دارد که این مطلب و این امر تحقق یابد و این ملت، متحد و یکپارچه باشد. اما در عمل این کار دشواری است و تنها ما نیستیم که به عنوان یک جنبش رهایی‌بخش با این تنوع و گوناگونی گروه‌های مبارز مواجه می‌شویم. در همه کشورهای نظیر ما که با چنین وضعیتی روبه‌رو شده‌اند چنین تنوعی داشته‌اند، اما همه در یک منظومه و

دو روز قبل یکی از سران جریان دوم (محمود عباس) به دیدار اولمرت، نخست وزیر، و لیونی، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی، می‌رود و با یکدیگر روبوسی و بگو و بخند می‌کنند و به اتفاق علیه مقاومت به هماهنگی می‌پردازند و یک روز پس از این ملاقات ۱۷ تن در غزه به شهادت می‌رسند.

در قالب یک جبهه و سازمان شکل می‌گرفتند. قبل از تأسیس حماس سازمان آزادی‌بخش وجود داشت و همه گروه‌ها را در منظومه واحدی در آورده بود اما اینک چه اتفاقی افتاده است. ساف خواهان ورود حماس و جهاد اسلامی به این سازمان نیست و دلیل آن، اینکه ساف به رهبری جنبش فتح به سمت سازش با دشمن حرکت کرده است. چطور می‌شود تصور کرد که می‌توانیم با هم متحد شویم. اکنون دو خط مشی و دو جریان در درون فلسطین وجود دارد.

در حالی که این دو دستگی و جدایی میان گروه‌های مقاومت نیست. برای مثال، ما و جهاد اسلامی دو گروه هستیم. این درست است که به لحاظ اسم و عنوان دو گروه هستیم. لیکن در میدان عملیاتی، سیاست و مقاومت کاملاً متحد هستیم و راهبردمان یکی است. اگر با کمبود سلاح مواجه شدند، ما سلاح در اختیارشان قرار می‌دهیم و عکس آن نیز صادق است. از حیث نیروی رزمنده کاملاً با هم هماهنگ هستیم. در جبهه مقاومت اگر چه نام‌های متفاوتی وجود دارد، لیکن هیچ اختلافی در بین نیست. اما مشکل حقیقی پارادوکس میان دو جریان است که جریان اول مقاومت را به عنوان راهبرد برگزیده و جریان دوم اساساً مخالف مقاومت بوده و حتی به جنگ آن آمده است. در حال حاضر این دو جریان کاملاً شفاف و از یکدیگر متمایز شده‌اند. یک جریان را حماس و دیگری را محمود عباس رهبری می‌کند. برای مثال دو روز قبل یکی از سران جریان دوم (محمود عباس) به دیدار اولمرت، نخست وزیر، و لیونی، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی، می‌رود و با یکدیگر روبوسی و بگو و بخند می‌کنند و به اتفاق علیه مقاومت به هماهنگی می‌پردازند و یک روز پس از این ملاقات ۱۷ تن در غزه به شهادت می‌رسند. بنابراین من فکر نمی‌کنم با این وضعیت جایی و مجالی برای وحدت این دو جریان وجود داشته باشد مگر اینکه جریان دوم (محمود عباس) طرز تفکرش متحول شود. چنین وضعیتی در انقلاب‌های بسیاری نظیر الجزایر و ویتنام روی داد. در ویتنام ۲۰۰ هزار سرباز ویتنام جنوبی در کنار نیروهای امریکایی می‌جنگیدند. در انقلاب الجزایر یک و نیم میلیون تن شهید شدند که ۵۰۰ هزار نفر آنان کسانی بودند که در جبهه نیروهای فرانسوی جنگیده بودند. همواره در وقایع این چنینی و در کشوری که به اشغال در می‌آید ملت تحت اشغال دچار دو دستگی می‌شوند و بخشی از آن به اشغال‌گر می‌پیوندند. این یک تجربه انسانی است. اما در فلسطین واقعیت امر این است که اکثریت مردم همراه و در کنار مقاومت هستند. جنبش حماس به تنهایی توانست آرای ۶۵٪ مردم را از آن خود کند و این اتفاق در حالی روی داد که نه جهاد اسلامی و نه جبهه خلق (فرماندهی کل) و نه جبهه دموکراتیک هیچ یک حضور نداشتند. بنابراین اکثریت مردم موافق و خواهان مقاومت هستند این همان کاری است که حماس انجام

داد. حماس توانست و موفق شد، مردم را به سمت و حول محور مقاومت سوق دهد.

✎ در مورد عملکرد حماس بحثی نیست، وحدت در عین زیبا بودن ضروری نیز هست ولی می‌توان برای تحقق آن راه‌های مختلف را پیمود. از جمله اینکه در رهبری به یک اتفاق واحد رسید. به عنوان مثال ایمان مردم و اتحاد آنها در سایه رهبری حضرت امام(ره) در ایران به وقوع انقلاب اسلامی منجر شد. در این انقلاب هیچ یک از گروه‌های ملی و حتی چپی رهبریت حضرت امام(ره) را نفی نمی‌کردند. ظاهراً جنابعالی به خوبی متوجه این نکته نشده‌اید که نمی‌توان حوادث (قبل از انقلاب اسلامی) ایران را با فلسطین مقایسه کرد.



✎ به هر حال انقلاب اسلامی در ایران و عناصر مهم مردم متحد و رهبریت واحد یک نمونه است؟ این نمونه کاملی نیست. در ایران هدف روشنی وجود داشت و آن سرنگونی رژیم شاهنشاهی بود. بنابراین همه گروه‌ها چه حزب توده و چه مجاهدین خلق و یا احزاب اسلامی و جبهه پیرو خط امام در این مورد کاملاً متفق بودند. شما تصور کنید اگر امام به سمت انقلاب و بسیج مردمی در شهرهای مختلف ایران (تهران، تبریز، شیراز) حرکت می‌کرد و به موازات آن حزب توده و یا سازمان مجاهدین خلق با شاه هماهنگی می‌کردند و علیه امام و نیروهای

پیرو ایشان توطئه‌چینی می‌کردند، چه اتفاقی می‌افتاد؟ در جبهه امام نیروهای اسلامی، ملی‌گرا و مارکسیستی حضور داشتند. اکنون نیز در کنار جنبش حماس اسلام‌گراها، ناسیونالیست‌ها و مارکسیست‌ها حضور دارند، احمد جبرئیل اسلام‌گرا نیست ایشان یک شخصیت سوسیالیستی است اما با وجود این در کنار حماس قرار دارد. جهاد اسلامی یک گروه اسلامی است و همراه حماس است. در دمشق گروه‌های فلسطینی متعددی وجود دارند و چه بسا چپ‌گرا باشند اما در کنار حماس هستند. شما تصور کنید در زمان شاه چنانچه یک گروه در کنار امام ایستادند و می‌رزمند و در زندان‌ها توسط ساواک شکنجه می‌شوند و در خیابان‌ها تظاهرات می‌کنند و هم‌زمان احزاب دیگری که ادعای مبارزه علیه شاه را دارند، اما در عمل با شاه و نیروهای رژیم و ساواک هماهنگی کنند و علیه نیروهای امام وارد عمل شوند چه اتفاقی می‌افتاد، امام چه کار می‌کردند، آیا باز هم با این گروه‌ها همکار و متحد می‌شدند؟ منطق و عقل می‌گوید، خیر.^۱ به طور حتم امام این دست از احزاب را تافته جدا بافته‌ای از ملت و اجماع ملی و بخشی از نیروهای رژیم شاهنشاهی می‌دانستند. چنین نمونه‌ای قابل مقایسه می‌باشد. در فلسطین چنین نیست که همه در مورد برچیدن رژیم صهیونیستی متفق‌القول باشند. گروه‌هایی که در مورد لزوم زوال رژیم صهیونیستی متفق‌اند، حماس، جهاد اسلامی و جبهه خلق (فرماندهی کل)

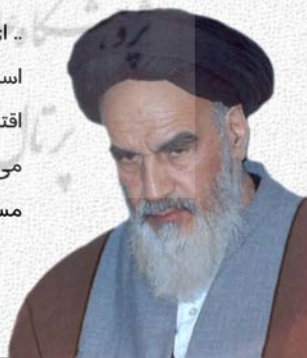
۱. ذکر این نکته ضروری است که گروه‌های چپی و ملی در انقلاب اسلامی ایران رهبری امام خمینی(ره) را به ناچار پذیرفتند، چرا که خود قادر به ایجاد این رهبری نبودند. احمال و خیانت آنها در برخی موارد چه قبل و چه بعد از انقلاب بر همگان آشکار شد. بدیهی است که حضرت امام بر نکاتی که عامل افتراق و جدایی بود تأکید نداشتند و از بسیاری از آنها در قبل از پیروزی انقلاب چشم‌پوشی کردند. این چشم‌پوشی حتی در مورد روحانیون نیز اتفاق افتاد که البته بعدها با رسوایی برخی از آنها که حتی با شاه و اسرائیل نیز همکاری می‌کردند و در حد مرجعیت بودند، بسیاری از حقایق و به ویژه درایت و بزرگواری حضرت امام(ره) آشکار شد. علاوه بر آن اصولاً جایگاه مردمی امام(ره) به گونه‌ای بود که گروه‌ها و احزاب سیاسی، حتی همان‌ها که با افکار امام موافق نبودند، ناگزیر بودند برای اینکه موقعیت خود را از دست ندهند، خود را همراه امام نشان دهند. همچون نهضت آزادی که در سال ۵۷ قائل به ابقاء سلطنت بود ولی چون مخالفت امام را دیدند از موضع خود عدول کرده و خود را همراه با دیدگاه‌های امام نشان دادند. فصلنامه ۱۵ خرداد

هستند. و در مقابل گروه‌هایی نیز وجود دارند که خواهان به رسمیت شناختن و بقای اسرائیل می‌باشند. این گروه‌ها مدام در تماس و هماهنگی با اسرائیل هستند و مجاهدان و مبارزان را تعقیب و دستگیر می‌کنند. در شرایط فعلی حماس قادر به برگزاری راهپیمایی در کرانه باختری نیست. ۱۵۰۰ مجاهد در زندان‌های محمود عباس در کرانه باختری به سر می‌برند و هزاران تن دیگر نیز در سیاه‌چال‌های رژیم صهیونیستی اسیرند.

در فلسطین چنین وضعیتی حاکم است. بنده صد درصد مطمئنم که اگر حضرت امام(ره) زنده بودند و در فلسطین به سر می‌بردند همان کاری را صورت می‌دادند که حماس با جریان کودتاگر انجام داد. اگر در ایران هر حزبی نظیر آن جریانی که ما با آن روبه‌رو شدیم مواجه می‌شد، همان تعامل و رفتاری را داشتند که ما با این جریان به عمل آوردیم. امکان نداشت با این جریان متحد شوند، بلکه آن را جزئی از رژیم شاهنشاهی و ساواک به حساب می‌آوردند و اتحاد با این جریان نه تنها یک نیاز محسوب نمی‌شد که امری مخالف دین و میهن‌پرستی به شمار می‌آمد. باید شناخت دقیقی از وضعیت فلسطین داشت اما اینکه گفته شود متحد شوید در پاسخ باید بگویم بر چه اساس و مبنایی متحد شویم. وضعیت ما در فلسطین با وضعیت ایران در زمان انقلاب کاملاً متفاوت است. آن زمان همه گروه‌ها در مورد سرنگون ساختن رژیم شاهنشاهی متحد بودند. اما در فلسطین وضعیت متفاوت است و بخشی از گروه‌های فلسطینی به دوستان اسرائیل بدل شده‌اند.

.. ای مردم! ای عالم! بدانید ملت ما مخالف است با پیمان با اسرائیل. این ملت ما نیست؛ این روحانیت ما نیست؛ دین ما اقتضا می‌کند که با دشمن اسلام موافقت نکنیم، قرآن ما اقتضا می‌کند که با دشمن اسلام هم‌پیوند نشویم در مقابل صف مسلمین.

۸ صبح، ۱۳۴۳/۱/۲۶، مسجد اعظم قم
تحلیلی از قیام ۱۵ خرداد در حضور علما، بازاریان و دانشجویان
صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۰۰



شما معتقدید که باید اسرائیل از بین برود یا به آنها در اراضی اشغال شده در ۱۹۴۸م حق حیات می‌دهید؟

این یک حقیقت قرآنی است و اعتقاد و باور ما به این مسأله عین اعتقاد ما به قرآن است.

یعنی شما به آزادی کل فلسطین معتقد هستید؟

بلی، آزادی سر تا سر فلسطین. صلیبی‌ها پیش‌تر صد سال در فلسطین ماندند ولی سرانجام رانده شدند. ما وقتی صحبت از صلیبی‌ها می‌کنیم منظور کل اروپا است.

یک زمانی صحبت شده بود که حماس ممکن است به نوار غزه و کرانه باختری اکتفا کند، آیا این در حد حرف است و واقعیت ندارد؟

ما سرزمین‌های اشغال شده در

۱۹۶۷م را به دست می‌گیریم بدون آنکه

اسرائیل را به رسمیت بشناسیم. تفاوت

میان ما و جنبش فتح در این است که آنها

حاضرند در ازای کرانه باختری و نوار

غزه رژیم صهیونیستی را به رسمیت

بشناسند، لیکن ما آزادی کرانه باختری و

نوار غزه را مرحله نخست آزادسازی کل

واقعیت امر این است که اکثریت مردم همراه و در کنار مقاومت هستند. جنبش حماس به تنهایی توانست آرای ۶۵٪ مردم را از آن خود کند.

فلسطین می‌دانیم. ما بر این باوریم که سرفروخت این نبرد و مسأله فلسطین ظرف چند سال آینده رقم خواهد خورد. چون امت در حال خیزش و قیام است و اسرائیل و امریکا در سرایشی سقوط قرار گرفته‌اند.

پس از آزادی فلسطین و با توجه به اینکه اکثر مردم فلسطین مسلمان هستند تکلیف شما با یهودیان مهاجر چه خواهد بود؟

یهودیان در طول تاریخ، اسلام را آغوش و دامن امنی برای خود یافته‌اند اما در اروپا و

روسیه فاقد این امنیت و آسایش بوده‌اند، یهودیان همواره و هرگاه در اروپا در تنگنا و مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند به کشورهای اسلامی روی می‌آوردند. یهودیان از اسپانیا به مراکش و از اروپا و روسیه به ترکیه و ایران گریختند. بنابراین ما با یهود به عنوان یک آیین نگاه خصمانه‌ای نداریم اما پیدایش جنبش صهیونیسم موجب و عامل تثبیت و تعمیق خصومت و شکاف بزرگ میان مسلمانان و یهودیان شد. عامل دیگر این شکاف و فاصله هم‌پیمانی و همسویی جنبش صهیونیستی با اهداف اروپایی - امریکایی بود. بنابراین هدف فعلی ما متلاشی کردن رژیم صهیونیستی است. سعی ما بر این است که این رژیم را در ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و فکری متلاشی کنیم. مسأله تعامل با یهودیان زمانی قابل طرح خواهد بود که پیروزی قاطع حاصل شود و این رژیم در تمام ابعاد از بین برود که آنگاه گزینه‌های متعددی وجود خواهد داشت، و آنچه مسلم است ما دست به کشتار آنها نخواهیم زد و با آنان آن‌طور که آنها با ما رفتار کردند رفتار نخواهیم کرد بلکه بر اساس تعالیم و آموزه‌های دین اسلام و با عدل و انصاف رفتار خواهیم کرد و چندین گزینه پیش رویشان قرار خواهیم داد تا خود انتخاب کنند.

فکر می‌کنم در آن صورت عده‌ای داوطلبانه فلسطین را ترک و برخی نیز برای ماندن در فلسطین و در سایه حکومت اسلامی ابراز تمایل خواهند کرد که ما از این بابت مشکلی نخواهیم داشت. اما در خصوص آن دسته از یهودیان مهاجر تصور بنده این است که اکثریت آنها به همان کشوری که از آن کوچ کرده‌اند باز خواهند گشت و چنانچه فرزندان این مهاجران که در فلسطین متولد شده‌اند و تمایلی به ماندن در فلسطین دارند، این مسأله از زاویه و از منظر بشردوستانه قابل بررسی خواهد بود. اما بدیهی است با هر یهودی که با ماندگاری‌اش در فلسطین موافقت شود به عنوان شهروند دولت اسلامی رفتار خواهد شد. اسوه و مقتدای ما حضرت محمد مصطفی(ص) پیامبر گرامی اسلام است که در زمان فتح مکه چه رفتاری با اهل مکه داشتند. ایشان به رغم همه اذیت و آزاری که از جانب اهل مکه دیده بود فرمودند: «بروید

شما آزاد هستید. ایشان می‌توانستند تمامی آنها را از دم تیغ بگذرانند،^۱ اگر یهودیان امروز با توجه به قدرتی که یافته‌اند ما را می‌کشند، ما براساس رفعت اسلامی با آنها عمل خواهیم کرد و قدر مسلم آن رفتاری که اروپا و روسیه با آنها داشته‌اند ما نخواهیم داشت.^۲

با شناختی که از یهود و ماهیت آنها داریم فکر می‌کنم آنها هر زمان که احساس کنند دارند شکست می‌خورند فرار خواهند کرد؟

آمار فعلی گویای آن است که ۶۰٪ از

جوانان اسرائیلی علاوه بر گذرنامه اسرائیلی گذرنامه دیگری در اختیار دارند.

غزه اکنون در شرایط سختی به سر می‌برد اوضاع مردم به ویژه وضعیت معیشتی چگونه است؟

باید اذعان کرد که وضعیت معیشتی

مردم غزه بسیار دشوار است. تحریم‌ها

فراگیر و جهانی است و چنین وضعیتی

در طول تاریخ اتفاق نیفتاده است که

تفاوت میان ما و جنبش فتح در این است که آنها حاضرند در ازای کرانه باختری و نوار غزه رژیم صهیونیستی را به رسمیت بشناسند، لیکن ما آزادی کرانه باختری و نوار غزه را مرحله نخست آزادسازی کل فلسطین می‌دانیم.

کشورهای بزرگ جهان درباره یک ملت مستضعف چنین تصمیمی بگیرند و تحریم‌ها از هوا و زمین و دریا اعمال شود. جهانیان شاهد هستند که به تحریم‌ها بسنده نشده است و مردم این خطه روزانه به دست صهیونیست‌ها به خاک و خون کشیده می‌شوند. اگر بخواهیم به محنت‌های مردم غزه بپردازیم بایستی به جوانب عدیده‌ای اشاره کنیم. کارگران به دلیل تعطیلی

۱. همچون یهودیان بنی‌قریظه.

۲. ذکر این نکته نیز ضروری است که اغلب وقایع یهودستیزی به ویژه در قرن اخیر اسطوره‌ای بیش نیست و یهودیان برای مظلوم‌نمایی و محق جلوه دادن خود جهت داشتن یک دولت یهودی، این داستان‌ها را جعل کرده‌اند.

کارگاه‌ها و کارخانجات بیکارند، بسیاری از داروهای مهم و حیاتی وجود ندارد. خیلی از عمل‌های جراحی به دلیل فقدان ماده بیهوشی انجام نمی‌شود. مردم غزه روزانه فقط ۸ ساعت برق دارند.^۱

همه می‌دانند که بیمارستان‌ها بایستی ۲۴ ساعته برق داشته باشند. به دلیل بسته بودن مرزها امکان درمان بیماران صعب‌العلاج در خارج از فلسطین منتفی است حتی حاجیان امسال در عزیمت به حج با مشکلات فراوانی مواجه شدند و برخلاف سابق که سفرشان ظرف چند ساعت انجام می‌گرفت، سال جاری روزها به طول انجامید و با مشقت‌های زیادی

مردم غزه اسماعیل هنیه و دکتر الزهار و سایر رهبران حماس را از خود می‌دانند؛ چرا که این رهبران مثل مردم عادی زندگی می‌کنند و خود و فرزندانشان را نذر میهنشان می‌کنند.

همراه بود. به طوری که بازگشت حجاج ده روز به درازا کشید که چهار روز آن سفر دریایی بوده است و سه تن از آنان که در پشت درهای بسته معبر متوقف شده بودند به شهادت رسیدند. وقتی با حجاج چنین رفتار شود می‌توان حدس زد که با سایر مردم چه رفتاری داشته باشند.

در حال حاضر مصالح ساختمانی و به ویژه سیمان به شدت نایاب شده است و مردم حتی برای تهیه سنگ قبر مرده‌های خود با مشکل جدی مواجه هستند. بسیاری از غذاها از سفره مردم غزه حذف شده است. ۸۰۰ هزار فلسطینی و به تعبیری قریب به ۶۰٪ مردم غزه به کمک‌های سازمان ملل وابسته‌اند. به طور حتم اگر کمک‌های سازمان ملل نبود، قحطی اتفاق می‌افتاد. سوخت وارداتی به غزه به دلیل کارشکنی اسرائیل به کمتر از نصف مایحتاج مردم

۱. پس از انجام این مصاحبه محاصره رژیم صهیونیستی شدت بیشتری گرفت و تنگناها افزایش چشم‌گیری یافت.

رسیده است و با توجه به فصل سرما مردم با لباس‌های گرم خود را از گزند سرما محفوظ می‌دارند.

با توجه به تمام محدودیت‌های موجود، حماس از پیشرفت شگرف خود در عرصه مقاومت نکاسته است. جدیداً اخبار خوشی از موفقیت‌های موشکی حماس شنیده می‌شود. مختصری از این موفقیت‌ها را بفرمایید.

در خصوص نوار غزه باید گفت که اسرائیل، امریکا و بعضی از کشورهای عربی و تشکیلات خودگردان انتظار داشتند حکومت منتخب مردمی (حماس) به دلیل تحریم‌های موجود و احتمالاً نارضایتی و قیام مردم ظرف ۲ الی ۴ ماه ساقط شود. لیکن با توجه به عملکرد حماس و کارهای زیربنایی‌اش در طول دو دهه گذشته این جنبش موفق شد در هر خانه‌ای عضوی برای خود به وجود آورد. الان بسیاری از رهبران و فرماندهان جنبش فتح یک عضو از خانواده‌شان حماسی است و این افراد داوطلبانه به عنصر اطلاعاتی حماس درآمده‌اند و از اقدامات تروریستی و خرابکارانه‌ای که فتح قصد انجامش را دارد، به ما (حماس) خبر می‌دهند. من فکر می‌کنم که این بزرگ‌ترین دستاوردی است که حماس در کنار و همراه مردم دارد و مردم حامی و پشتیبان حماس هستند و به رغم همه سختی‌ها و مشکلات دامن امن حماس هستند.


صدام حسین به دلیل آنکه با مردم خود فاصله داشت طی چند روز سرنگون شد اما مردم غزه اسماعیل هنیه و دکتر الزهار و سایر رهبران حماس را از خود می‌دانند؛ چرا که این رهبران مثل مردم عادی زندگی می‌کنند و خود و فرزندان‌شان را نذر میهن‌شان می‌کنند، اما

آمار فعلی گویای آن است که ۶۰٪ از جوانان اسرائیلی علاوه بر گذرنامه اسرائیلی گذرنامه دیگری در اختیار دارند.

در سطح مدیریتی بحمدالله توانستیم زیربنایی کار کنیم ما موفق شدیم دستگاه امنیتی را بازسازی کنیم و وزارتخانه‌ها فعالیت روزمره خود را دنبال می‌کنند. دستگاه قضایی، دادگستری و دانشگاه‌ها نیز فعالیت‌های خود را دارند. به رغم تحریم‌ها دولت به هر شکل ممکن تا این لحظه موفق به تأمین حقوق ۱۷ هزار کارمند شده است. در عرصه مقاومت نیز بحمدالله موفقیت‌های بسیار خوبی محقق شده است.

ظرف ۶ ماه توان نظامی مقاومت چندین برابر گردید. تسلیحات نیروهای امنیتی در حد مطلوبی است. علاوه بر این برخلاف تشکیلات خودگردان که نیروهای مقاومت را تحت تعقیب قرار می‌داد و دستگیر می‌کرد و از پشت به آنها خنجر می‌زد، امروزه دولت حماس حامی و پشتیبان نیروهای مقاومت است.

نیروهای امنیتی برخلاف گذشته نه تنها حامی نیروهای مقاومت هستند که خود در کانون رویارویی با دشمن قرار دارند و از سوی دشمن مورد هدف قرار می‌گیرند. وحدتی که شما از آن سخن می‌گفتید یعنی این. وحدت حقیقی در نوار غزه تجلی یافته است و همه آحاد مردم و دولت و نیروهای امنیتی یکپارچه و متحد هستند.

 پس از پاکسازی غزه از نیروهای سازشکار و خائن، اخباری از فساد آنها منتشر شد. آیا حماس قصد

انتشار اسناد ارتشا و فساد نیروهای

تشکیلات خودگردان را دارد؟

۸۰۰ هزار فلسطینی و به تعبیری
 قریب به ۶۰٪ مردم غزه به کمک‌های
 سازمان ملل وابسته‌اند. به طور حتم
 اگر کمک‌های سازمان ملل نبود،
 قحطی اتفاق می‌افتاد.

بخش عمده این اطلاعات، اطلاعات امنیتی است و ما بخشی از آن را در قالب کنفرانس‌های مطبوعاتی منتشر کردیم و بخشی را نیز برای خود محفوظ نگه داشته‌ایم و بخش سوم را که به بحث جاسوسی این سرویس‌ها علیه کشورهای

دیگر مربوط می‌شود، تحویل کشورهای مربوطه شده است، این سازمان‌ها نه تنها علیه کشورهای مخالف امریکا که علیه کشورهای دوست امریکا نیز جاسوسی و گزارش‌های خود را به سازمان اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) ارسال می‌کردند. سازمان‌های مذکور علیه کشورهای همچون مصر، عربستان سعودی و پاکستان جاسوسی می‌کردند تا جایی که حتی فعالیت هسته‌ای پاکستان و دانشمندان هسته‌ای این کشور را نیز رصد می‌کردند و گزارش‌های خود را به امریکا و اسرائیل می‌فرستادند.

آیا امکان انتشار یک یا دو مورد از این اسناد در فصلنامه ۱۵ خرداد وجود دارد؟

✓ شما با مراجعه به رسانه‌های جمعی می‌توانید به این اطلاعات دست یابید و هر آنچه منتشر شده شما نیز در فصلنامه ۱۵ خرداد درج نمایید.

اعلان این مطلب در آن زمان سر و صدایی ایجاد کرد و همه انتظار پخش گسترده آنها را داشتند، لیکن آن طور که باید و شاید اسناد قابل توجهی منتشر نشد؟

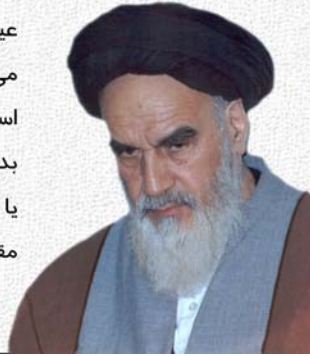
✓ نه این جور نیست، مطالب منتشر شد اما شاید به ایران نرسیده باشد، در رسانه‌های جمعی عربی منتشر شد.

مدت زمانی است که از عملیات استشهادی خبری نیست، آیا کاهش عملیات شهادت طلبانه به سبب محدودیت‌های صهیونیست‌ها بوده یا استراتژی مقاومت تغییر پیدا کرده است؟^۱

✓ نه به هیچ وجه، تغییری در استراتژی مقاومت روی نداده است، عملیات استشهادی یک وسیله است و فرماندهی گردان‌های القسام این وسیله را برای پیشبرد و تحقق اهداف جنبش به کار می‌گیرند.

۱. پس از انجام این مصاحبه یک عملیات مهم استشهادی صورت گرفت که در نوع خود کم‌نظیر بود. این عملیات در شهر هسته‌ای دیمونا و در ۱۰ کیلومتری این پایگاه اتمی به وقوع پیوست و برخی رسانه‌ها از کشته شدن یک دانشمند هسته‌ای رژیم صهیونیستی در این عملیات خبر دادند. در این عملیات ۴ صهیونیست کشته و ۱۰ نفر نیز زخمی شدند.

عیب است از یک مملکتی اتکای به یهود. این حرفی که ما می‌زنیم خیلی حرف بدی است؟! البته تلخ است به ذائقه‌ها. تلخ است به ذائقه شما. لکن بدبختی یک مملکت اسلامی است؛ بدبختی یک مسلمینی است که اتکا پیدا بکنند یا ارتباط پیدا بکنند یا پیمان ببندند با یک دولتی که الان دشمن اسلام است و در مقابل اسلام ایستاده است و غصب کرده است فلسطین را.
صحیفه امام، ج ۱، ص ۳۸۷



بنابراین می‌توان گفت که اقدامات و تدابیر صهیونیست‌ها مؤثر بوده است؟

☑ مؤثرترین عامل در این عملیات و در این مبحث تدابیر میدانی است، بی‌شک محاصره نوار غزه و دیوارنژادپرستانه حائل عامل تأثیرگذار هستند. روز گذشته سخنگوی گردان‌های القسام مصاحبه مطبوعاتی داشت و همین سؤال از وی پرسیده شد که آیا دست به عملیات شهادت‌طلبانه خواهید زد و ایشان در پاسخ اعلام کردند هر احتمالی وارد است.

با تشکر از وقتی که در اختیار این فصلنامه قرار دادید تا مخاطبین خود را از نزدیک با اوضاع فلسطین آشنا کنیم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی